

 10.30497/sj.2024.245404.1321

*Bi-quarterly Scientific Journal of "Research Letter of Social Jurisprudence",
Vol. 12, No. 1 (Serial 23), Autumn 2023 and Winter 2024*

Research Paper

Feasibility of Applying the Rule of Prohibition (Dar') in Negating Swearing (Qasama) Evidence Through the Indication of Doubt on Presumption in Evidence (Lawth) and Presumption in the Claimant's Oath

Mehdi Karimi*

Received: 07/11/2023

Accepted: 02/02/2024

Abstract

The rule of prohibition (Dar') has found its place in the Islamic Penal Code of 1392 (2013). Swearing (Qasama) is only realized with evidence (Lawth). Thus, evidence is reliant on presumptuous indications that prove the claimant's claims are true. There is disagreement among Imamiyyah jurists regarding what types of evidence lead to its realization. The generality of the rule of prohibition, coupled with the uncertainty associated with it, prevents judges from implementing swearing when there is any doubt about the veracity of the evidence. Imamiyyah jurisprudence does not limit the instances of evidence, unlike Sunni jurisprudence.

Furthermore, mere presumption and indications alone are not sufficient for swearing to be enforced, and the oath of the designated oath-takers is required for verdicts to be granted. As the Imamiyyah jurists believe, swearing must be based on knowledge for the oath-taker. As a result of the occurrence of doubt in knowledge and the generality of prohibition, the material element of the crime is not met if the oath-taker swears without knowledge. In this study, descriptive-analytical methodology has been used, and data has been collected using the library method. Study findings suggest that the rule of prohibition can negate swearing in evidence. Also, if it becomes clear to the judge that the oath-takers have no knowledge of reality the judge cannot base their verdict on their oaths.

Keywords

Rule of Dar' (Qā'idat al-Dar'), Doubt (Shubha), Circumstantial Evidence (Amārāt), Qasama, Oath-taker (Ḥālif), Lawth.

* Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehrn, Iran. m.karimi342@pnu.ac.ir

امکان‌سنجی قاعده درء در نفی دلیل قسامه از طریق دلالت شبهه بر ظن در لوث و ظن در حالف مدعی

مهدی کریمی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

قاعده درء به‌عنوان قاعده‌ای اصطیادی جایگاه خود را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ یافت. قسامه جز با لوث محقق نمی‌شود. از این‌روست که لوث مرهون اماره ظنی است که دلالت بر صدق ادعای مدعی کند. در خصوص نوع امارات که منجر به تحقق لوث می‌شود، میان فقهای امامیه اتفاق نظر نیست. برای همین، هرگونه تردید و شبهه‌ای که در مورد صدق امارات منجر به لوث نزد هر قاضی‌ای شد، با توجه به عمومیت قاعده درء و شبهه ناظر بر آن، قاضی نمی‌تواند اقدام به اجرای قسامه کند؛ خاصه آنکه مصادیق لوث نزد امامیه برخلاف اهل سنت حصری نیست. افزون‌بر موارد فوق، صرف ظن و امارات به‌تنهایی برای اجرای قسامه کافی نیست و سوگند حالفین تعرفه‌شده از سوی مدعی شرط لازم برای صدور حکم است. فقهای امامیه بر این باورند که در قسامه شرط است حالف از روی علم سوگند یاد کند. اگر حالف به هر دلیلی بدون علم اقدام به سوگند کند، به علت حدوث شبهه در علم و عمومیت قاعده درء، عنصر مادی جرم تحقق نمی‌یابد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام و در جمع‌آوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌های حاصل از مطالعه بیان می‌کند که قاعده درء می‌تواند در مقام نفی دلیل قسامه در لوث برآید. از سوی دیگر، اگر بر قاضی روشن شود که سوگندخورندگان علمی بر واقعیت ندارند، به علت شبهه حاصل با اعمال قاعده درء، نمی‌تواند سوگند آنان را مبنای حکم خود قرار دهد.

واژگان کلیدی

قاعده درء؛ شبهه؛ امارات؛ قسامه؛ حالف؛ لوث.

* استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

قاعده درء به عنوان قاعده‌ای اصطیادی^۱، به‌رغم آنکه از نظر دلالت مبنایی و پشتوانه روایی و میزان اعتبار آن، مورد تخالف فقها و برخی نویسندگان قرار گرفته^۲، اکنون در نظام حقوقی کیفری ایران جایگاه خود را یافته است. قسامه در ترتیب دلایل اثباتی جنایات به‌عنوان دلیل می‌تواند جنایت را به شخصی مستند کند و شاکی و خویشاوندان اولیای دم با اتیان سوگند به میزان مقرر در قانون از طریق تشبث به آن به مقصود خود برسند. روشن است که قسامه با لوث همراه است و در لوث، متهم مظنون به ارتکاب جنایت است و کسی ارتکاب جنایت توسط وی را ندیده، بلکه اوضاع و احوال حاکم بر قضیه، ظن ارتکاب جنایت توسط وی را باعث شده است. ظنی که برای قاضی ایجاد می‌شود باید همراه قراین و اماراتی باشد که علم برای وی ایجاد کند. در این مرحله است که شاکی و خویشاوندان وی اقدام به اتیان سوگند می‌کنند تا از طریق ضمیمه سوگند خود به ظن حاصل برای قاضی، امکان صدور حکم محکومیت متهم را فراهم آورند. اگر سوگندخورندگان علم به ارتکاب جنایت نداشته باشند و بر اساس ظن و گمان اقدام به اتیان سوگند کنند، به نظر صریح فقها، سوگند آنان فاقد ارزش برای اثبات جنایت است. در دنیای معاصر که ارزش سوگند انسان‌ها به علت عدم تقید به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در محاق ابهام است و از سوی دیگر، تعصبات گروهی و فامیلی و خویشاوندی می‌تواند آنان را به راحتی به اتیان سوگند وادارد، عمومیت قاعده درء در مقام احتیاط دما، می‌تواند هرگونه شبهه و ظن حاکم بر اندیشه قاضی و عدم علم سوگندخورندگان را تحت شعاع قرار دهد. به این ترتیب، در مقام عدم توسل قاضی به قسامه در هر موردی برآید. بدیهی است این مقاله در مقام رد قسامه به‌عنوان دلیلی ترتیبی در اثبات جنایات نیست، بلکه می‌کوشد دلالت قاعده درء را در عدم تشبث به قسامه به اثبات برساند و از این طریق زمینه هرگونه توسل به قسامه را کاهش دهد.

برای تبیین موضوع مقاله، پس از پیشینه، نخست به قاعده درء و جایگاه آن در ایجاد شبهه خواهیم پرداخت. در بخش بعد به بررسی مرتبه قسامه به‌عنوان دلیل در نظام حقوق کیفری ایران، تعریف و نحوه احراز آن و تحقق لوث می‌پردازیم. سپس به تبیین ظن نزد قاضی در مقام لوث و علم حالف ناظر به مدعی و جایگاه ظن در قسامه می‌پردازیم.

در نهایت، به لزوم رعایت قاعده درء در مواجهه با شبهات حاصل در قسامه از لحاظ دلالت شبهه بر ظن قاضی در لوث و ظن در حالف ناظر بر مدعی و رد قسامه به عنوان دلیل نقلی با وجود قاعده درء که قاعده‌ای عقلی است، می‌پردازیم.

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه تعریف قاعده درء، حدود اعمال آن و دلالت شبهه بر ظن قاضی مقالاتی نگاشته شده که البته به مبانی نظری مقاله حاضر و رویکرد جدید و متفاوت آن پرداخته نشده است. کلانتری، پارسا و حیدری در مقاله‌ای با عنوان «قلمرو و شرایط اعمال قاعده درء در حدود و تعزیرات»، به حدود شرایط قاعده درء در جرایم تعزیری و قصاص توجه و بیان کرده‌اند قاعده درء در راستای اصل برائت است که بر مبنای آن، تا زمانی که تحقق ارکان مادی و روانی جرم اثبات نشده یا هریک از این اجزا مورد شبهه و تردید است، اصل بر بی‌گناهی مرتکب خواهد بود. آنان پرسش مقاله خود را ناظر بر قلمرو قاعده درء بیان و تأکید کرده‌اند شمول قاعده درء مورد اختلاف فقهاست. آنان با توجه به اطلاق ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قاعده درء را در جرائم مستوجب حد، قصاص و تعزیر جاری می‌دانند و استثنای این قاعده عام را در اجرای قسامه موضوع ماده ۳۱۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کنند. از این رو ایشان اعمال قاعده درء را در قسامه جاری نمی‌دانند و قسامه را از استثنائات شمول قاعده می‌دانند. علت این استثنا آن است که مقنن در ماده ۳۱۴ قانون مجازات اسلامی در تعریف از لوث از واژه «ظن» استفاده کرده است حال آنکه ظن در مرتبه نزدیک‌تر به یقین قرار دارد. در شک، قاضی در تشخیص حق از باطل در حد وسط قرار دارد، اما در قسامه تردید قاضی از موضوع مطروح نسبت به شک کمتر است و از این رو برخی فقها از عبارت «ظن قریب به علم» نام برده‌اند.

روح‌الله کرمی با مقاله‌ای با عنوان «قلمرو جرائم مشمول بعد اثباتی قاعده درء در حقوق کشورهای اسلامی با نگاهی به آموزه‌های فقهی» اظهار می‌دارد یافته‌ها بیان می‌کند که قاعده درء در همه مذاهب اسلامی شامل دیات نمی‌شود، بلکه حدود را شامل می‌شود. در حقوق کشورهای اهل سنت قاعده درء در قصاص اعمال می‌شود، اما تعزیرات مشمول آن نیست. در فقه امامیه نسبت به شمول قاعده درء قصاص و تعزیرات

اختلاف نظر است. با توجه به اطلاق ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی در کشور ما باید گفت که این قاعده در تعزیرات نیز جاری است.

عباس شیرینی در مقاله «بازتاب قاعده درء در عناصر سه‌گانه جرم» تصریح می‌دارد قاعده درء در جرم‌انگاری، تعیین مجازات و همه امور مرتبط با رفتار مجرمانه و مسئولیت کیفری اعمال می‌شود و از اصول و بنیان‌های اساسی حقوق کیفری است. هرگونه تردید و شک در یافتن اندیشه مقنن موجب تغییرات اساسی درباره عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم و منجر به تجویز رفتار می‌شود. از سوی دیگر، این قاعده در تعیین میزان و نوع مجازات مؤثر است و در مواردی باعث سقوط یا تغییر نوع مجازات می‌شود. مسئولیت کیفری نیز تحت تأثیر این قاعده است و می‌تواند موجب عدم مسئولیت شود. قاعده درء در موضوعات شکلی و ماهوی حقوق کیفری تأثیر می‌گذارد. این قاعده شامل همه مجازات حدود، تعزیرات و قصاص می‌شود و در اعمال قواعد مرتبط با دیات نیز این قاعده کاربرد دارد. بنابراین، ایشان قاعده درء را در تمام مجازات‌ها جاری و ساری می‌داند.

۲. تعریف قاعده درء و حدود اعمال آن

مفاد قاعده درء به اجمال بیان می‌کند که در مواردی که در وقوع جرم یا انتساب جرم به متهم یا در مسئولیت کیفری وی و مستحق بودن او به کیفر به هر علتی تردید وجود داشته باشد، جرم تحقق نمی‌یابد و مجازات بر مجرم تحمیل نمی‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۰، ص. ۵۵). این موضوع به صراحت در ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر شده است. اختلافات عمده‌ای میان فقهای متقدم و متأخر در پذیرش و تسالم بر این قاعده وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که عالمی چون آیت‌الله سبزواری دلالت این قاعده را بی‌نیاز از بحث دانسته است، اما برخی مانند علامه خوئی اصولاً روایت وارده «ادرئوالحدود بالشبهات» را صحیح نمی‌داند و به چنین عمومیتی قائل نیست (حاجی‌آبادی، ۱۳۸۴، ص. ۲).

برخی نویسندگان این قاعده را در جرم‌انگاری، تعیین مجازات، دلایل اثبات دعوا و همه موضوعات پدیده بزهکاری و مسئولیت کیفری جاری و ساری دانسته‌اند و آن را از بنیان‌های اصلی حقوق کیفری می‌دانند (شیرینی، ۱۴۰۰، ص. ۲۲۷). فارغ از مباحث

این‌چنینی، آنچه مسلم است اکنون قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر شمول و ورود این قاعده و دفع مجازات، عدم احراز جرم و مسئولیت کیفری مجرم با وجود تردید در وقوع جرم یا برخی از شرایط آن یا تردید در شرایط مسئولیت کیفری تأکید می‌کند.

از این‌رو ضروری است که به مفاد و الزام قانونی آن پرداخته شود. در این راستا، ابتدا با توجه به الفاظ قاعده، ناگزیر هستیم از لحاظ امکان دستیابی به مدلول منطوقی و مفهوم منطقی، کلمات مضبوط در قاعده را با توجه به حدود و ثغور هریک از آن‌ها بررسی کنیم.

کلمه «درء» مصدر «ادرئوا» و «تدرأ» و به معنای «تعطیل کردن»، «دفع کردن»، «ساقط کردن» بیان شده است. از این‌رو وقتی سخن از درء حدود می‌شود یعنی ساقط کردن حد و عدم اجرای آن است. از سویی شبهه در لغت به معنای، ناآگاهی، اشتباه، تردید، شک و التباس بیان شده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص. ۳۶). در معنای اصطلاحی و آنچه در روایت «ادرئوالحدود بالشبهات» آمده، گاه ناظر بر ظن است که بر مبنای آن اماره‌ای دانسته شده که باعث گمان به حلال بودن عمل ارتكابی شده است. به عبارت روشن‌تر، معیار شبهه ظن به حلیت عمل ارتكابی هنگام ارتكاب آن است؛ هرچند برخی دیگر معنای شبهه را احتمال یا وهم به حلیت عمل ممنوع در حین ارتكاب آن می‌دانند (عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۳۳۷) یا آنکه برخی آن را اعتقاد و یقین به جایز بودن عمل ارتكابی دانسته‌اند که حرام و ناشی از جهل قصوری یا تقصیری است، اما کسی را که جهل تقصیری داشته و به جهل خود هنگام عمل آگاه بوده است، از شمول قاعده درء خارج می‌دانند (خویی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص. ۱۶۹). ملاحظه می‌شود که فقهای امامیه بیشتر به بیان ضابطه شبهه پرداخته‌اند تا ذکر تعریف مستقل (دانشور ثانی و خسروی، ۱۳۹۵، ص. ۸۳). از این‌رو از مجموع نظرات فقهای عظام شیعه برمی‌آید که شبهه عبارت از «توهم جواز عمل»، «عدم علم به حکم یا ماهیت موضوع»، «اعتقاد یا ظن به جواز عمل» و «حصول ظن به جواز عمل» است (امیدی، ۱۳۸۲، ص. ۴۱) در مورد مراتب شبهه در قاعده درء، نظر برگزیده این است که شبهه یادشده در قاعده، عمومیت دارد و شامل ظن و گمان، تردید و شک، وهم، احتمال و اعتقاد می‌شود

(نبوتی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۹). شبهه موصوف ناظر بر شبهه عارض بر حاکم یا عارض بر متهم است. به نظر می‌رسد در میان فقهای امامیه فقط صاحب‌جوهر بر شبهه عارض بر حاکم تصریح کرده است (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ص. ۴۹۴)، اما در بین متأخران از فقهای امامیه نیز این نظر دیده می‌شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص. ۸۹).
گفتنی است در اطلاق شبهه یادشده در قاعده بر شبهات موضوعیه تردیدی میان فقها وجود ندارد، اما در مورد اطلاق شبهه مندرج در قاعده به شبهه حکمیه، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای جهل تقصیری را که برگرفته از کوتاهی مکلف در یادگیری احکام شرعی است مشمول قاعده نمی‌دانند، اما شبهه قاعده را بر جهل قصوری جاری و ساری می‌دانند؛ یعنی جاهلی که اصولاً امکان دسترسی او به منابع احکام و اطلاع از احکام برایش مقدور و میسر نبوده است. باین‌همه همه شبهات اعم از حکمیه و موضوعیه از نظر فقهی و شبهه در عناصر سه‌گانه جرم (عنصر قانونی، مادی و معنوی) از دیدگاه حقوق جزای عرفی را شامل می‌شود.

۳. تعریف قسامه و ظن در لوث

قسامه به‌عنوان یک دلیل و یکی از راه‌های اثبات جنایت^۳ در کلام فقها و قانون مجازات اسلامی^۴ بیان شده است. در فرهنگ عمید معنای دلیل، مرشد، راهنما، راه، طریق، جهت، سبب و آنچه که برای اثبات امری به کار می‌برند، آمده است (عمید، ۱۳۸۶، ص. ۷۹۳). معنای اصطلاحی آن به‌عنوان دلیل چندان دور از معنای لغوی آن نیست. ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی دلیل را عبارت از امری دانسته است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌کنند. روشن است که معنای دلیل در امور مدنی با دلیل در امور کیفری از لحاظ نقش قاضی در تحصیل آنچه به اقتناع وجدانی او بینجامد و اصل آزادی دلایل کاملاً متفاوت است. اساتید دادرسی کیفری با عنایت به این موضوع، دلیل در امور کیفری را عبارت از هر وسیله قانونی که مقامات قضایی را در کشف حقیقت و حصول اقتناع وجدانی و اتخاذ تصمیم عادلانه یاری بخشد، دانسته‌اند (آشوری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص. ۲۳۵). به‌این‌ترتیب، منظور از ادله اثبات در امور کیفری، دلایلی است که طبق آن، اتهام انتسابی به متهم در دادگاه ثابت می‌شود. مطابق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی، ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و

سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است. قسامه از لحاظ سلسله مراتب ادله کیفری اثبات جنایت، در آخرین مرتبه از ادله قرار می‌گیرد و استناد به آن تنها در صورت فقدان اقرار، شهادت شهود یا علم قاضی به عنوان بینه شرعی، ممکن و میسر است. بنابراین، اگر در مورد پرونده‌ای اقرار و گواهی گواهان اقامه شود، نوبت به اجرای قسامه نمی‌رسد. قانون مجازات اسلامی به‌رغم آنکه قسامه را در ردیف ادله اثبات جنایات آورده، تعریف روشنی از آن به عمل نیاورده است. قسامه به فتح قاف و عدم تشدید سین از نظر معنای لغوی قسم‌ها و نیز قسم‌خوردگان بیان شده است (طریحی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص. ۱۳۸). عمده ادله و مبانی قسامه، روایاتی هستند که در کتاب‌های روایی از جمله وسائل‌الشیعه در باب «دعوی القتل و مایثت فیه» نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص. ۱۱۷) و در قرآن به آن اشاره‌ای نشده و از این رو دلیلی نقلی است. ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی قسامه را عبارت از قسم‌هایی می‌داند که در صورت فقدان دلایل دیگر و حصول لوث برای اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی توسط شاکی اقامه می‌شود. از نظر حقوقی و فقهی، قسامه با حدوث لوث همراه است. از این رو به‌صورت قاعده کلی گفته شده است «لا قسامة الا فی لوث»؛ هیچ‌گاه قسامه اجرا نمی‌شود مگر جایی که لوث وجود دارد. لوث در لغت به معنی آلودگی و دلیلی که کامل نشده و هنوز قابل قبول نباشد، آمده است (عمید، ۱۳۸۶، ص. ۸۷۹). از این رو به شبه‌دلیل یعنی دلیلی که کامل و تمام نیست نیز بیان شده که معنای اخیر با معنای اصطلاحی فقها تناسب بیشتری دارد. شهید اول بیان می‌دارد «اللوث، أماره يُظنُّ بها صدق المدعی» (عاملی، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۰). برخلاف فقهای اهل سنت که برای لوث موارد حصری ذکر کرده‌اند، از نظر فقهای شیعه هر جا که ظن غالب بر وجود قتل باشد، از موارد لوث است. آنچه در لوث اهمیت دارد وجود امارات یا شواهدی است که لوث را برای قاضی پدید می‌آورد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ص. ۳۱۸).

امام خمینی در تحریر الوسیله در بیان و تعریف لوث می‌فرماید «هر اماره ظنی که حاکم با آن برخورد کند و باعث شود که حاکم به صدق مدعی، ظن بیابد، چنین اماره‌ای باعث لوث می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص. ۴۲۹). در آرای دیوان عالی کشور نکاتی مشاهده می‌شود که تأمل‌برانگیز است. با وجود شبهه و تردید در



تحقق شرکت در قتل (در مواردی که قرائن و امارات منجر به حصول ظن برای قاضی و اجرای قسامه نشده است)، نوبت به اعمال قاعده درء موضوع ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی است. بنابراین، باید قرائن و امارات به اندازه‌ای باشد که موجب ظن قوی و لوث شود (مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، صص. ۴۳۹ و ۴۴۲). ماده ۳۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف لوث مقرر می‌کند «لوث عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب آن از جانب متهم می‌شود». از این رو هر ظنی را لوث نمی‌نامند، بلکه ظنی است که همراه با قرائن و شواهد قوی و نزدیک به علم باشد؛ به خصوص که برخی فقیهان بین ظن متأخم به علم و غیر آن تفصیل قائل شده‌اند و می‌گویند با ظن متأخم، لوث ثابت می‌شود، اما با سایر مراتب ظنون، لوث ثابت نمی‌شود (مرعشی نجفی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۱۸۱). طباطبایی در کتاب ریاض می‌فرماید: این اماره را لوث نامیده‌اند به خاطر اینکه لوث افاده ظن قوی می‌کند و لوث در لغت هم به معنای ظن قوی است و مراد از ظن قوی، ظنی است قریب به علم که برای حاکم نسبت به وقوع قتل از طرف متهم حاصل می‌شود. وقتی چنین ظنی برای حاکم حاصل شد، لازم است حاکم وارد رسیدگی شود (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص. ۱۰). اگر قاضی^۵ با وجود لوث به چنین یقینی دست نیافت، ملزم است دنبال ادله و قرائن دیگری برود تا از مجموع آن‌ها یقین کند که قتل به وسیله متهم رخ داده است (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ق، ص. ۳۹۱). به عبارت دقیق‌تر، مقصود از لوث این است که اماره ظنی‌ای نزد حاکم پیدا شود که جنایت به وسیله متهم یا متهمان واقع شده است مشروط بر اینکه قرائن به اندازه کافی وجود داشته باشد.

در پایان این بحث لازم به بیان این نکته است که به باور غالب فقها و حقوق‌دانان، عمومیت قاعده درء شامل همه مجازات‌ها اعم از حد، قصاص و تعزیرات می‌شود. این شمول در رأی اصراری دیوان عالی کشور شماره ۲۷ مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۸ مورد تأکید قرار گرفته است.

فقها در اینکه قاعده درء مختص حدودالله است یا اینکه شامل قصاص، حدود و تعزیرات می‌شود، به دو دسته مخالف و موافق تقسیم می‌شوند که نظرات هریک از این دو دسته را شرح می‌دهیم.

مخالفان اعمال قاعده درء در قصاص و تعزیرات که اعمال این قاعده را تنها در حدود می‌دانند (اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص. ۳۴۳) بیان می‌کنند حدود عمدتاً حق‌الله است و در حق‌الله مبنای شارع مقدس بر تسامح و تخفیف است و اجرای قاعده درء در آن اشکالی ایجاد نمی‌کند، اما قصاص حق‌الناس است و در صورت اقتضای اصول و ضوابط بر اجرای آن نمی‌توان به صرف شبهه آن را تزییع کرد. همچنین، چون قصاص حق‌الناس است، بنای آن بر دقت و بررسی بیشتر است. چنانچه شبهه‌ای در قصاص عارض شود، نمی‌توان بر این قاعده تمسک جست. اصالت عدم‌النسیان، عدم‌الاشتباه و عدم‌الاکراه مانع اعمال آن است درحالی‌که این اصول عقلایی در حدود‌الله جاری نمی‌شود. دلیل دیگر مخالفان اجرای قاعده درء در قصاص این است که این قاعده موضوعی خلاف اصل است؛ زیرا اصل و قاعده اجرای مجازات است. از این رو باید به قدر متیقن قاعده که اجرا در حدود است، اکتفا کرد. در خصوص تعزیرات نیز مخالفان با استدلال یادشده اعمال این قاعده را ممکن ندانسته‌اند و معتقدند اجرای قاعده درء خلاف اصل است و در حدود که بنای شارع مقدس بر تسامح و تخفیف است، اجرای قاعده توجیه‌پذیر است، اما در تعزیرات چنین مبنایی نداریم و اگر بنا باشد قاعده درء تعزیرات نیز اجرا شود، باب اجرای مجازات بسته می‌شود.

موافقان اعمال قاعده درء در قصاص، بیان می‌دارند در قصاص لزوم احتیاط در دما دلیل محکمی بر اجرای قاعده است و با تأکید فقها بر اصول عقلایی مانند برائت و احتیاط، اصل بر اجرای مجازات نیست. از سوی دیگر، اصل «ترجیح خطا در عفو بر خطا در کیفر» شامل تمام کیفرها از جمله تعزیرات می‌شود؛ زیرا لسان دلیل بر اطلاق دارد و تخصیص دلیل به مورد خاص (حدود) ترجیح بلامرجح و تخصیص بی‌دلیل است. با عنایت به چگونگی نگارش ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اطلاق این ماده در به کار بردن واژه جرم مستفاد می‌شود که دامنه شمول قاعده درء به دیگر مجازات‌ها از جمله تعزیرات تعمیم داده می‌شود و مستند به ماده یادشده مانعی برای اعمال قاعده درء در حق‌الناس از جمله قصاص وجود ندارد.



۴. امکان سنجی قاعده درء در رد قسامه از طریق شبهه در لوث و شبهه حالف ناظر بر مدعی

با عنایت به موارد پیش گفته، دلالت قاعده درء در رد قسامه از طریق شبهه در لوث و شبهه حالف ناظر بر مدعی را در دو بخش زیر بررسی می‌کنیم.

۴-۱. امکان سنجی قاعده درء در رد قسامه از طریق شبهه در لوث

روشن شد که اصولاً قسامه بدون لوث معنا ندارد. قسامه موضوع استثنا بر اصل است و برخلاف قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» است و ضرورت دارد در تمام مواردی که خلاف اصل، اجرا می‌شود با احتیاط عمل کرد. در توسل به قسامه و تحقق لوث قطعاً باید دلیلی وجود نداشته باشد. تنها ظن قوی بر ارتکاب جرم توسط متهم یا متهمان وجود دارد که قاضی را متمایل به صدور حکم از این طریق می‌کند.

صرف ظن شخصی قاضی بدون هرگونه اماره و شواهد نوعی که ضرورت ایجاد علم و قطع قاضی را فراهم آورد، نمی‌تواند ظن معتبر قریب به علم و قطع نامیده شود و وجود قاعده درء و شبهه حاصل و احتیاط در دما اقتضا می‌کند از توسل به قسامه برای اثبات جنایت امتناع ورزید. نکته حائز اهمیت اینکه، این قرائن و امارات باید برای شخص قاضی ایجاد ظن کند؛ زیرا ملاک تحقق لوث، گمان نزد قاضی است.

گفتنی است در خصوص نوع امارات و شواهدی که منجر به تحقق لوث می‌شود، میان فقها اتفاق نظر نیست؛ برخی فقها وجود یک شاهد عادل را قرینه مقالیه و برخی یافت شدن متهم با سلاح خونین در کنار جسد را قرینه حالیه نامیده‌اند. این قرائن باید برای قاضی همچنان‌که در ماده ۳۱۴ قانون مجازات اسلامی آمده است «... حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند»، ایجاد ظن کند. بنابراین، دو معیار نوعی^۶ و شخصی با هم به کار برده می‌شوند؛ یعنی ظن ایجاد شده برای قاضی باید مبتنی بر مبانی متعارف باشد و با فقدان هریک از دو شرط، لوث ایجاد نخواهد شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸، ص. ۴۶۶). برخی فقها ظن همراه با اماره نوعیه را برای تحقق لوث و اجرای قسامه ضروری می‌دانند؛ زیرا قاضی بعد حصول ظن باید از طریق سوگند اولیای دم به علم و اطمینان دست یابد. بنابراین، سوگند اولیای دم طریق ایجاد علم و اطمینان قاضی‌ای است که به ظن معتبر دست یافته است و از این رو سوگند اولیای دم

موضوعیت دارد و نه طریقت. روشن است اولاً، ظن شخصی قاضی هر چند ظن معتبر باشد، به تنهایی برای ایجاد لوث کافی نیست و افزون بر آن، اماره و شواهد نوعی است که منجر به تحقق لوث می شود. از سویی با وجود ظن شخصی و اماره نوعی، سوگند اولیای دم است که منجر به علم قطعی برای قاضی می شود و گرنه هر قاضی با وجود ظن شخصی معتبر خود و به زعم آنکه این ظن برای او علم قطعی ایجاد کرده است، بدون اتیان سوگند اولیای دم می توانست به قسامه دست یازد؛ زیرا یکی از ادله اثبات کیفری، علم قاضی است و وقتی قاضی به ظن معتبر قریب به علم و قطع دست یابد قطعاً نیازی ندارد که به قسامه توسل جوید و مستند به علم خود حکم مقتضی را صادر می کند، اما با وجود قسامه به عنوان یک دلیل ترتیبی در اثبات جنایت، لازم است که سوگند حالفان اجرا شود تا علم قاضی از طریق سوگند اولیای دم تحصیل شود.

باید دانست که نمی توان مجرد قسم را از روی تعبد برای محکوم کردن متهم کافی دانست، بلکه حاکم از راه ادای سوگندهای فراوان لازم است به علم اطمینانی دست یابد. اطلاق دلیل احتیاط در خون، حاکم بر اطلاق دلیل قسامه است و به این ترتیب، روشن می شود که دلیل قسامه را نمی توان حمل بر تعبد کرد و آن را مطلقاً مورد عمل قرار داد (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۵، ص. ۱۵). علامه حلی در کتاب قواعد می فرماید پیراسته نبودن لوث از شک، از مسقطات لوث است (حلی، ۱۴۱۳ق، ص. ۲۴۶). با عنایت به موارد بالا، چنانچه ظنی برای قاضی ایجاد نشود یا ظن همراه اماره و شواهد نوعیه نباشد و در نهایت، در صورت وجود هر دو مورد بالا سوگندخورندگانی نباشند که بر مبنای صدق و درستی سوگند ادا کنند و اگر باشند در صدق و درست کاری و راست گویی ایشان تردید باشد، قاعده درء در هر مرحله، اجرای قسامه را به علت شبهه حاصل در اثبات عناصر اصلی یعنی رکن قانونی و رکن مادی منتفی می داند. رکن قانونی جرم حاصل نمی شود؛ زیرا به تصریح مواد ۳۱۴ و ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، وجود امارات و قرآنی که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا چگونگی ارتکاب جنایت از جانب متهم باشد، ضروری است و در صورت فقدان این امارات لوث حاصل نمی شود و این به معنای عدم تحقق عنصر قانونی جرم است. عنصر مادی جرم تحقق نمی یابد؛ زیرا از سویی برای احراز حکم و صدور آن، تحقق



موضوع و تمام جزئیاتش ضروری است و از سوی دیگر، نسبت حکم با موضوع مانند نسبت معلول با علت است. بنابراین، در صورت احراز موضوع، حکم به مرحله اثبات می‌رسد. در امور قضایی تا قاضی تحقق واقعه خارجی را - که به آن وقایع مادی دعوا می‌گویند - احراز نکند، نمی‌تواند اقدام به صدور حکم کند. در غیر این صورت باید بپذیریم که با وجود شک و تردید در تحقق موضوع، صدور حکم امکان‌پذیر است. از ویژگی‌های عمده نظام اثبات در حقوق اسلام این است که تا برای قاضی «علم» ایجاد نشود، حکم صادر نمی‌کند. تحقق عدالت منوط به علم قاضی به وقایع مادی هر دعوا و سپس احراز رابطه سببیت میان نتیجه و فعل متهم است. در این صورت قاضی بر مبنای علم محصل از جمیع دلایل و قراین موجود در پرونده، اقدام به صدور حکم می‌کند. محوری بودن علم در صدور حکم، با وجود شبهه در تحقق موضوع یا در رابطه سببیت، منافات دارد؛ اگرچه این دلیل عقلی اختصاص به شبهات موضوعیه دارد. درحالی‌که شمول قاعده درء، شبهات موضوعیه، حکمی، مفهومی و... را دربرمی‌گیرد، اما اصولاً عقل اقتضا می‌کند مادامی‌که شبهه‌ای در احراز حکم شرعی یا غیرشرعی و نیز در تحقق موضوع یا مفهومی که حکم بر آن بار می‌شود و سرانجام در احراز رابطه سببیت مانع شده باشد، نمی‌توان نتایج شرعی و عقلی را بر آن تحمیل کرد. برای مثال، شبهه در احراز حکم شرعی، جز در مواردی خاص مجرای اصل برائت است. در تحقق موضوع نیز شبهه مانع مهمی تلقی می‌شود. چگونه ممکن است در جرائم به‌ویژه حدود و قصاص که با جان، مال و نوامیس مردم ارتباط دارد، با وجود شبهه در تحقق موضوع، قاضی دادگاه بتواند حکم محکومیت صادر کند حال آنکه اثبات در امور جزایی باید «بدون هرگونه شک و تردید معقولی»^۷ انجام شود. احراز رابطه سببیت و اثبات موضوع عقلاً با وجود شبهه ممکن نیست؛ افزون‌براینکه لازمه قبول صدور حکم محکومیت با وجود شبهه در تحقق حکم و موضوع، خلاف علم و خلاف اصول حقوقی اسلام است.

۴-۲. شبهه حالف ناظر بر مدعی

در قسامه شرط است کسی که می‌خواهد سوگند یاد کند باید علم به ماوقع داشته باشد و به قطع و جزم سوگند یاد کند. بنابراین، سوگند با گمان و به‌طور غیرجزم کافی نیست (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص. ۴۳۴). ازاین‌رو قاضی باید به علم سوگندخورندگان

اطمینان یابد و در صورتی که دریابد قسم خورندگان برای تعصبات قومی یا هر دلیل دیگری بدون قطع و جزم سوگند خورده‌اند، باید به قسم آنان وقعی ننهد.

در زمان حال عمل به قسامه برابر موازین شرعی کار آسانی نیست. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) خود نیز به خاطر مشکل بودن آن، عمل به قسامه را انجام ندادند. در حدیث وارده در مورد یافتن جسد یکی از انصار در یکی از چاه‌های یهود و شکایت انصار علیه یهود نزد حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، مستفاد می‌شود که انصار از سوگند خوردن امتناع و سبب آن را این موضوع بیان کردند که آگاهی نداشتند چه کسی او را کشته است. از سویی قسم خوردن یهود را هم قبول نداشتند و مبرهن است که در هر زمانی این موضوع مطرح است که اولیای دم به ارتکاب قتل از سوی متهم آگاهی ندارند، ضروری است قاضی برای رسیدن به حقیقت از راه‌های دیگری استفاده کند؛ به‌خصوص که در این شرایط زمانی دیده می‌شود بیشتر افرادی که ادای سوگند می‌کنند، مورد وثوق نیستند. امروزه افراد به آسانی حاضرند به دروغ یا عدم آگاهی از واقعیت، از روی تعصب یا اغراض شخصی دیگری سوگند یاد کنند. از این رو محاکم قضایی باید در اجرای قسامه احتیاط بسیار کنند (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۵، ص. ۱۷). با توجه به مراتب شبهه و ضرورت علم و جزم حالف به آنچه سوگند می‌خورد، اگر سوگندخورنده علم و قطع به مدعای سوگند نداشته باشد و با توجه به مفاد اجمالی قاعده درء و عمومیت آن، صدق شبهه جاری و ساری است. در این صورت در واقع تحقق عنصر مادی جرم مورد تردید است و قابلیت اثبات عنصر مادی جرم مورد تردید جدی قرار می‌گیرد و این مقام منجر به صدور حکم تبرئه متهم خواهد شد (علوی و خاتمی، ۱۳۹۹، صص. ۲۶۵-۲۳۷).

در تمام مبانی فقهی امامیه بر علم حالف تأکید شده است و قاضی باید بر صدق و راست‌گویی سوگندخورندگان علم و قطع یابد و تأکید شده است که اگر قاضی به صدق سوگند سوگندخورندگان تردید کند، باید فحوص و جست‌وجو کند. روشن است قاضی تنها از طریق جست‌وجو و فحوص می‌تواند به صدق سوگند دست یابد و به محض هرگونه تردید در صدق سوگند ایشان و شبهه در صحت و جزمیت سوگند سوگندخورندگان برابر عمومیت قاعده درء، قطعاً قسامه را از دلایل ادعایی شاکی خارج می‌کند و عمل به آن جایز نخواهد بود؛ به‌خصوص با توجه به آنچه در سطور بالا بیان

شد، در عصر و زمانه اخیر که از لحاظ بی‌قیدی اخلاقی و تعصبات فامیلی و خویشاوندی افراد به‌سادگی در راستای برآورده کردن تمایلات شخصی و درونی خود، هرگونه اتهامی را به طرف مقابل خود منتسب می‌کنند و از آن دریغ نمی‌کنند.

نتیجه‌گیری

در بررسی شرایط اجرای قسامه مشخص می‌شود که وجود لوث ضروری است. لوث به معنای وجود قرائن و امارات ظنی است که باید برای قاضی ایجاد ظن کند، اما باید توجه داشت که این ظن نباید از نوع ظن شخصی قاضی باشد، بلکه باید ظن نوعی و مبتنی بر شواهد عینی باشد. از این رو ضروری است قاضی از ظن شخصی خود عدول کند و بر ظن نوعی، دقت و ممارست داشته باشد.

نکته شایان توجه اینکه ظن مورد نظر در قسامه، ظنی قوی که منجر به علم و اطمینان قطعی شود، نیست؛ زیرا اگر قاضی به علم و اطمینان برسد، دیگر نیازی به اجرای قسامه نخواهد داشت و می‌تواند مستقیماً مستند به علم خود حکم صادر کند. بنابراین، ظن در اینجا به معنای وجود نوعی تردید و شبهه است که باید با سوگند افراد معتمد و راست‌گو تقویت شود.

مهم است که تمام سوگندخورندگان با علم و یقین سوگند یاد کنند. اگر قاضی متوجه شود که آن‌ها علم کافی به واقعیت ندارند، نمی‌تواند سوگندشان را مبنای حکم قرار دهد. این موضوع در شرایط کنونی جامعه که افراد به دلایل مختلفی مانند تعصبات قومی، عدم پایبندی به اصول اخلاقی و مذهبی، و کاهش باورهای معنوی، ممکن است به سوگند دروغ متوسل شوند، اهمیت بیشتری می‌یابد.

با توجه به اصل «تدرء الحدود بالشبهات» که بر قسامه نیز حاکم است، در صورت وجود شبهه نباید حد جاری شود. این اصل به‌خصوص در مورد جرائم سنگینی مانند قتل که مجازات قصاص را در پی دارد، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از این رو پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار از محدود کردن قضات به صدور احکام مبتنی بر سوگند به‌ویژه در چنین جرائم سنگینی خودداری کند.

در نهایت، می‌توان گفت که اجرای قسامه در شرایط فعلی با چالش‌های جدی مواجه است و نیاز به بازنگری و تطبیق با واقعیت‌های اجتماعی امروز دارد.

یادداشت‌ها

۱. در تقسیم‌بندی‌ای، قواعد فقهی به دو قسمت منصوص و اصطیادی تقسیم می‌شوند. در قواعد اصطیادی برخلاف قواعد منصوص، نص قرآنی یا روایی که تمام محتوای قاعده را شامل شود و جامع و مانع باشد، مشاهده نمی‌شود و پژوهشگران آن‌ها را از مجموعه‌ای از آیات و روایات که در مجموع مفاد قاعده را اثبات می‌کند، اصطیاد می‌کنند.
۲. برای اطلاع بیشتر از مبانی روایی قاعده و دلالت آن ن. ک به: امیدی، ۱۳۸۲، صص. ۵۶-۴۱.
۳. منظور از جنایات هر آسیبی به نفس، عضو و منفعت است؛ هرچند در قسامه ناظر بر جنایات در معنی عام با قسامه ناظر بر قتل از نظر تعداد قسم و نحوه اجرای هریک تفاوت‌هایی وجود دارد.
۴. از جمله موضوعاتی که در قانون مجازات اسلامی آمده است و در زمره قواعد فقهی منصوص و سومین دلیل اثبات جرم در امور کیفری شمرده می‌شود، قسامه است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از ماده ۳۱۲ تا ماده ۳۴۶ به قسامه در جنایت نفس و از ماده ۴۵۴ تا ماده ۴۶۱ به جنایت مادون نفس به‌عنوان سومین دلیل اثبات جرم اشاره کرده است.
۵. روشن و واضح است که منظور از قاضی، مجتهد جامع‌الشرایط است و نه مجتهد مأذون و کسی که نمی‌تواند بر اساس منابع استنباط شرعی فتوا و حکم دهد.
۶. منظور از ظن نوعی این است که مجموع شواهد و قرائن باید نزد قضات گمان‌آور باشد و قاضی در تحصیل گمان باید متعارف باشد. پس اگر قاضی شخص باورپذیری باشد که از امور مبهم و مشکوک که به متهم هیچ ربطی ندارد، گمان پیدا کند، چنین گمانی مفید نخواهد بود.
7. Beyond all Reasonable Doubt

کتابنامه

قرآن کریم.

The Holy Quran.

آشوری، محمد (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری (جلد ۲). تهران: سمت.

Ashouri, Mohammad, (2007), Criminal Procedure, SAMT Publications, Vol. 2.

امیدی، جلیل (تابستان ۱۳۸۲). «قاعده درء و تفسیر نصوص جزایی». مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۳.

Omidi, Jalil, "The Rule of Dara and Interpretation of Penal Texts", Articles and Reviews, Issue 73, Summer 2003.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح (جلدهای ۱ و ۶). چاپ ۴، بیروت: دارالعلم للملایین.



- Jawhari, Ismail bin Hammad, Al-Sihah, (1987), Beirut, Dar al-Ilm lil-Malayin, Fourth Edition, Vol. 1 and 6.
- حاجی آبادی، احمد (۱۳۸۴). «قاعده دره در فقه امامیه و حقوق ایران». *فقه و حقوق*، شماره ۶.
- Haji Abadi, Ahmad, "The Rule of Dara in Imamiyyah Jurisprudence and Iranian Law", *Fiqh and Law*, 2005, Issue 6.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة* (جلد ۱۹). قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- Hurr Ameli, Mohammad bin Hassan, (1414 AH), *Tafsil Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a*, Al al-Bayt Institute for Revival of Heritage, Qom, Vol. 19.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- Helli, Hassan bin Yusuf, (1413 AH), *Qawa'id al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wal-Haram*, Qom, Mu'assasat al-Nashr al-Islami.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکملة المنهاج* (جلد ۱). چاپ ۲، قم.
- Khoei, Sayyid Abul-Qasim, (1976), *Mabani Takmilat al-Minhaj*, Qom, Second Edition, Vol. 1.
- دانشور ثانی، رضا؛ و خسروی، کاظم (بهار و تابستان ۱۳۹۵). «بررسی فقهی قاعده دره با تکیه بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲». *نشریه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق*، شماره ۳.
- Daneshvar Sani, Reza; Khosravi, Kazem, "A Jurisprudential Study of the Rule of Dara Based on the Islamic Penal Code of 2013", *Journal of Islamic Jurisprudence Studies and Legal Foundations*, Spring and Summer 2016, Issue 3.
- شیری، عباس (آبان ۱۴۰۰). «بازتاب قاعده دره در عناصر سه گانه جرم». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۹۵.
- Shiri, Abbas, "The Reflection of the Rule of Dara in the Three Elements of Crime", *Legal Research Quarterly*, (November 2021), Issue 95.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۲ق). *ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل* (جلد ۱۴). چاپ ۱، قم.
- Tabatabai, Seyyed Ali, (1412 AH), *Riyadh al-Masa'il fi Bayan Ahkam al-Shar' bil-Dala'il*, Qom Publication, First Edition, Vol. 14.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۹۵). *مجمع البحرين* (جلد ۵). چاپ ۲، تهران: المکتبة المرتضویة.
- Turayhi, Fakhr al-Din, (2016), *Majma' al-Bahrain*, Vol. 5, Second Edition, Tehran, Al-Maktabah Al-Murtazaviyah.
- عاملی، شمس الدین محمدبن مکی (شهید اول) (۱۳۹۵). *لمعه الدمشقیة* (حمید نیک فکر، مترجم). چاپ ۱، تهران: چتر دانش.
- Ameli, Shams al-Din Muhammad bin Makki (First Martyr), *Lomea al-Damashkiyyah* translated by Hamid Nikfakr, (2016), Chatr-e Danesh Publisher,

First Edition.

عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (بی‌تا). مسالک‌الفهام (جلد ۲). چاپ سنگی.
Ameli, Zayn al-Din bin Ali (Second Martyr), n.d., Masalik al-Afham, (Lithographic print), Vol. 2.

علوی، ثمانه؛ و خاتمی، سیدجواد (بهار و تابستان ۱۳۹۹). «امکان‌سنجی بسندگی ادله علمی از اجرای قسامه در اثبات دعاوی کیفری». مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ۱۳، شماره ۲۵.
Alavi, Samaneh; Khatami, Seyyed Javad, "Feasibility Study of the Sufficiency of Scientific Evidence from the Implementation of Qasamah in Proving Criminal Cases", Foundations of Islamic Jurisprudence and Law, Thirteenth Year, Issue Twenty-Five, Spring and Summer 2020.

عمید، حسن (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی. چاپ ۳، تهران: امیرکبیر.
Amid, Hassan, (2007) Persian Dictionary, Amir Kabir, Tehran, Third Edition
محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۰). قواعد فقه ۴. چاپ ۴، مرکز نشر علوم اسلامی.
Mohaghegh Damad, Mustafa, Rules of Jurisprudence 4, (2021), Islamic Sciences Publishing Center, Forty-Second Edition, Fourth Edition.

مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسین (۱۴۲۷ق). دیدگاه‌های نو در حقوق. چاپ ۲، تهران: میزان.
Marashi Shoostari, Seyyed Mohammad Hasein, (1427 AH), New Perspectives in Law, Mizan Publishing, Tehran, Second Edition.

مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسین (۱۳۷۵). «تحقیقی درباره لوث و قسامه و قضاوت زن و نظر مقدس اردبیلی». مجله فقه اهل بیت، شماره‌های ۵ و ۶.
Marashi Shoostari, Seyyed Mohammad Hossein, "A Research on Lawth, Qasamah, Women's Judgment, and the View of Moqaddas Ardabili", Ahl al-Bayt Jurisprudence Journal, 1996, Issues 5 and 6.

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین (۱۴۲۲ق). القول الرشید فی الاجتهاد و التقليد (جلد ۲). قم: کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.
Marashi Najafi, Shahab al-Din. (2001) Al-Qawl al-Rashid fi al-Ijtihad wa al-Taqlid. Qom: Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi. Volume 2.

مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه (بهار ۱۴۰۰). مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور.

Press and Publications Center of the Judiciary (2021), Discussions and Opinions of the General Assembly of the Supreme Court.

موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (۱۴۲۷ق). فقه‌الحدود و التعزیرات (جلد ۱). قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید.

Mousavi Ardabili, Seyyed Abdul Karim, (1427 AH), Fiqh al-Hudud wa al-Ta'zirat, Vol. 1, Al-Mufid Publishing Institute, Qom.



- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۷۹). قواعد فقهیه. تهران: مؤسسه چاپ و نشر.
Mousavi Bojnourdi, Mohammad, (2000), Jurisprudential Rules, Tehran, Printing and Publishing Institute.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۰). تحریر الوسیله (سیدمحمدباقر همدانی، مترجم)، (جلد ۴). چاپ ۱، قم: دارالعلم.
Mousavi Khomeini, Ruhollah, (1991) Translation of Tahrir al-Wasilah, Translator Seyyed Mohammad Baqer Hamedani, Dar al-Ilm Publishing, Qom, First Edition, Volume Four.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۸). جرائم علیه اشخاص. چاپ ۲۷، تهران: میزان.
Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, (2019), Crimes Against Persons, Tehran, Mizan Publishing, Twenty-seventh Edition.
- نبوتی، نجمه (تابستان ۱۳۹۹). «قاعده درء و ضابطه اعمال آن». فصلنامه علمی، پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۱۳، شماره ۲.
Najmeh Nabavati, "The Rule of Dara and Its Application Criteria", Scientific Research Quarterly of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Thirteenth Year / Issue 2 / Summer 2020
- نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهرالکلام (جلد ۴۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
Al-Najafi, Mohammad Hassan, Jawahir al-Kalam, n.d., Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Vol. 41